

واکاوی نارسایی‌های برنامه‌ریزی محلی روستایی مبتنی بر نظریه برنامه‌ریزی
ارتباطی در استان آذربایجان شرقی*
محمد رضا پورمحمدی^۱، عقیل خالقی^۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۵/۱۷

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۱/۱۵

چکیده

علی‌رغم نظرات متفاوت نظریه‌پردازان، برنامه‌ریزی بیشتر معیارهای فرایند ارتباطی را می‌توان در سه اصل فراگیربودن طرف‌های شرکت‌کننده، صراحت و شفافیت برای فرایند بحث، و ایجاد اجماع برای راه‌حل‌های سازنده و عملی خلاصه کرد. با توجه به این سه اصل، نارسایی‌های الگوهای طرح‌های توسعه روستایی استان آذربایجان شرقی در قلمرو رویکرد برنامه‌ریزی ارتباطی، به روش تحقیق آمیخته با رویکرد توسعه ابزار تحلیل شد. در کل ۴۰ نفر برای شرکت در مصاحبه عمیق و پاسخ به سؤالات چندگزینه‌ای انتخاب شدند که ۲۵ نفر آن‌ها در مصاحبه‌های کیفی شرکت کردند. در فاز اول تحقیق، از روش «درون‌نگری هدایت‌شده» استفاده شد. به‌موجب ماهیت این رویکرد در کدگذاری ثانویه، برای مدیریت داده‌ها از نرم‌افزار MAXQDA استفاده شد و شاخص‌ها و مفاهیم محوری مستخرج، به‌صورت پرسشنامه محقق‌ساخته برای توسعه ابزار در بخش کمی، طراحی شد. از مدل معادلات ساختاری به‌شیوه حداقل مربعات جزئی در محیط نرم‌افزار PLS برای تحلیل داده‌های کمی استفاده شد. سی درون‌مایه فرعی به‌عنوان نارسایی‌های برنامه‌ریزی توسعه محلی در سه گزینه به‌عنوان معیارهای فرایند برنامه‌ریزی ارتباطی استخراج شدند که در قالب هشت درون‌مایه اصلی طبقه‌بندی شدند. نتایج نشان می‌دهد تا زمانی که الف) مشارکت ذی‌نفعان در تمام مراحل برنامه‌ریزی نباشد، ب) تعریف مشخصی از توسعه محلی روستایی وجود نداشته نباشد، پ) نوع نگرش به توسعه ارتباطی و پایین به بالا نباشد، ت) از ظرفیت‌ها، نیازها و انتظارات محلی به نحو احسن استفاده نشود، و ث) نحوه دسترسی به اطلاعات کافی نباشد، نمی‌توان به اجماع نظر برای راه‌حل‌های سازنده و عملی از طریق دانش بومی، خلاقیت و ضمانت اجرایی دست یافت.

واژه‌های کلیدی: آذربایجان شرقی، برنامه‌ریزی ارتباطی، برنامه‌ریزی محلی، درون‌نگری، معادلات ساختاری.

* مقاله پژوهشی، مستخرج از طرح تحقیقاتی با عنوان «الگوسازی برنامه‌ریزی محلی سکونتگاه‌های روستایی با رویکرد آینده‌نگاری (مورد مطالعه: استان آذربایجان شرقی)»، با حمایت مادی صندوق حمایت از پژوهشگران و فناوران کشور (INSF)

۱. استاد گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران (نویسنده مسئول)،

pourmohammadi@tabrizu.ac.ir

۲. دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، محقق پسادکتری صندوق حمایت از پژوهشگران و فناوران کشور،

تبریز، ایران، khaleghi567@tabrizu.ac.ir

Analysis of Existing Deficits of Rural Local Planning on the Basis of Communicative Planning Theory in East Azarbaijan Province*

Mohammadreza Pourmohammadi¹, Aghil Khaleghi²

Received: April 4, 2022

Accepted: August 8, 2022

Abstract

Although the opinions of planning theorists vary, most of the criteria of the communicative process can be summarized in three principles: Involvement of the parties involved, openness and transparency of the discussion process, and consensus building for constructive and practical solutions. According to these three principles, the deficiencies of rural development plans of East Azerbaijan province in the field of communicative planning approach were analyzed qualitatively-quantitatively through a research method combined with the tool development approach. A total of 40 people were selected for in-depth interviews and answering multiple-choice questions, 25 of whom participated in the qualitative interviews. In the first phase of the research, the “guided self-observation” method was used. Due to the nature of this approach, MAXQDA data management software was used for secondary coding. The extracted indicators and key concepts became a questionnaire prepared by the researcher for the development of instruments in the quantitative part. The SEM method in PLS software environment was used for quantitative data analysis. Thirty subthemes were identified as deficiencies of local development planning in three options as criteria for the communication planning process, which were classified into eight main themes. The results show that A) stakeholder participation in all stages of planning is not given; B) there is no clear definition of local rural development; C) the nature of the attitude towards development is not communicative and bottom-up; D) local capacities, needs and expectations are not properly used; F) access to information is not sufficient; consensus on constructive and practical solutions cannot be reached through indigenous knowledge, creativity and executive guarantee.

Keywords: Local planning, Communicative Planning, Introspection, SEM, East Azerbaijan.

* Research Article, Excerpted from a research project with the title “Modelling of local planning of rural settlements with a foresight approach (case study: East Azerbaijan province)”, with support Iran National Science Foundation (INSF).

1. Professor, Department of Geography and Urban Planning, University of Tabriz, Tabriz, Iran (Corresponding author), pourmohammadi@tabrizu.ac.ir

2. PhD in Geography & Rural Planning, University of Tabriz, Tabriz, Iran; Postdoctoral Researcher in Iran National Science Foundation (INSF), khaleghi567@tabrizu.ac.ir

مقدمه و طرح مسئله

طرح‌های توسعه‌ای در سطح جهانی با پیچیده‌تر شدن مسائل و نبود شرایط مطمئن مورد انتقاد واقع شده (رکن‌الدین افتخاری و همکاران ۱۳۹۴: ۶۲) و طراحی برنامه‌ریزی توسعه روستایی نیازمند هماهنگی میان همه بخش‌های سطوح مختلف دولت و کنشگران است (پراگر و همکاران، ۲۰۱۵: ۱۲۲). بخشی‌بودن و متمرکزبودن برنامه‌ها، روند بالا به پایین و رعایت‌نکردن اصول صحیح برنامه‌ریزی، موضوعاتی هستند که باید در این مورد به آن‌ها توجه داشت (رضایی، ۱۳۸۲: ۳۲). معمولاً رویکرد بالا به پایین در سطح ملی و اقدام در سطح محلی از پایین به بالا به نوبه خود به رویکردهای شبکه‌ای ترکیبی منجر می‌شود (آپوستولوپولوس و همکاران، ۲۰۲۰: ۹۷) و خصوصیت اصلی این الگوهای توسعه برون‌زا، نادیده‌انگاشتن ذی‌نفعان اصلی پروژه‌ها است (بوچ وی، ۲۰۰۱: ۱۳۵)؛ درحالی‌که تقویت توسعه مستلزم توسعه‌ای پایدار، مردم‌محور، مشارکتی و حکمروایی خوب کارگزاران محلی است (آزاد ارمکی، ۱۳۹۷: ۲)؛ چرا که شکست پروژه‌ها و طرح‌های از بالا به پایین، موجب تدوین راهبردهای محلی و بومی و توسعه رهیافت‌های مدیریت انعطاف‌پذیرتر شده است (سوادی و همکاران، ۱۳۹۶: ۹۱). همچنین برنامه‌های توسعه‌ای، عمدتاً به صورت دولتی، غیرمشارکتی و بخشی‌نگرانه، تدوین و اجرا شده و منافع آن‌ها نصیب افراد قدرتمند و ثروتمند شده است (لانگ، ۱۹۷۷: ۲۲). با توجه به سابقه و تجربه برنامه‌ریزی در ایران، می‌توان تأثیر الگوها، نظریه‌ها، رویکردها و راهبردها را در برنامه‌های توسعه روستایی ردیابی کرد (شفیعی و میرواحدی، ۱۳۹۸: ۱۲۹) که متأسفانه هنوز بخش‌های مختلف اقتصادی کشور نتوانسته‌اند در زمینه برنامه‌های اقتصادی و اجتماعی زمینه توسعه ملی، منطقه‌ای و محلی را فراهم سازند (شریف‌زادگان، ۱۳۸۲: ۱۶۴).

تاکنون دو رویکرد «عقلایی‌گرایی» و «ارتباطی» درباره چارچوب و فرایند برنامه‌ریزی توسعه مطرح بوده‌اند که در نظام برنامه‌ریزی ایران، استفاده از رویکرد عقلایی‌گرایی در فرایند مذکور غلبه داشته و رویکرد ارتباطی که از اواخر قرن بیستم در ادبیات برنامه‌ریزی جهان مورد توجه واقع شده، کاربرد چندانی پیدا نکرده است. نتایج بررسی‌ها نشان می‌دهد رویکرد عقلایی‌گرایی به دلیل تخصص‌محوری و «خصیصه غیرمشارکتی»، با ناکامی‌ها و ضعف‌های زیادی روبه‌رو بوده است و در شرایط کنونی، اتخاذ رویکرد ارتباطی، از ضرورت‌های مهم فرایند برنامه‌ریزی توسعه روستایی کشور محسوب می‌شود (رکن‌الدین افتخاری، ۱۳۸۳: ۱). با توجه به اتخاذ این رویکرد،

طرح‌های توسعه محلی ابزاری بسیار باارزش تلقی می‌شوند (ریاحی و همکاران، ۱۴۰۰: ۱۲۲)، اما در اجرا با مشکل جدی مواجه‌اند و به‌رغم هزینه‌های نسبتاً زیادی که صرف تهیه آن‌ها می‌شود، سهم چندانی در نظام برنامه‌ریزی روستایی کشور ندارند (رضوانی ۱۳۹۰: ۵۷).

علی‌رغم مشکلات احتمالی در به‌کارگیری نظریه برنامه‌ریزی ارتباطی در زمینه برنامه‌ریزی محلی روستایی، باید گفت برنامه‌ریزی ارتباطی یک رویکرد اجتماعی-ساخت‌گرایانه و رابطه‌ای برای اجرای برنامه‌ریزی است؛ بنابراین از طریق یک فرایند تعاملی بین ذی‌نفعان در پروژه‌های روستایی، می‌تواند به حرکت جامعه به سمت سطح بالاتر عملکرد اجتماعی و محیطی کمک کند. از طرفی، با توجه به غلبه خصیصه غیرمشارکتی در رویکرد عقلایی‌گرایی، همچنان باید گفت الگویی سازگار و بومی‌شده با ظرفیت و پتانسیل‌های موجود برای توسعه محلی و منطقه‌ای ارائه نشده است. از این‌رو بررسی یافته‌ها و پیامد الگوها، طرح‌ها و برنامه‌های محلی توسعه روستایی ذکرشده در استان آذربایجان شرقی به‌عنوان محدوده مورد مطالعه بیانگر آن است که این طرح‌های توسعه‌ای با توجه به همین مسئله به هدف آرمانی خود دست نیافته‌اند؛ بنابراین نتوانسته‌اند نقش مؤثر و چشمگیری در توجه به «مردم به‌عنوان مشارکت‌کنندگان در فرایند برنامه‌ریزی» و توفیق سایر شاخص‌های رویکرد ارتباطی داشته باشند. با توجه به این مهم، تحقیق حاضر درصدد رسیدن به پاسخی قانع‌کننده به این سؤال است: مهم‌ترین نارسایی‌های موجود برنامه‌ریزی محلی سکونتگاه‌های روستایی محدوده مورد مطالعه در قلمرو رویکرد برنامه‌ریزی ارتباطی کدام است؟

پیشینه تحقیق

نتایج مطالعه افتخاری و بهزادنسب (۱۳۸۳) نشان داد رویکرد عقلایی‌گرایی به‌دلیل تخصص‌محوری و خصیصه غیرمشارکتی با ناکامی‌ها و ضعف‌های زیادی روبه‌رو بوده است. بهزادنسب (۱۳۸۹) موارد کاربردی استفاده از آن را در برنامه‌ریزی توسعه روستایی ایران در آستانه تصویب و اجرای قانون برنامه پنجم توسعه معرفی کرده است. نتایج مطالعه علیایی و کریمیان (۱۳۹۰) نشان داد در برنامه‌ها به دانش و مشارکت مردم روستا اهمیتی داده نشده و عموماً برنامه‌ها برگرفته از الگوهای غیربومی بوده است. متوسلی و حاجی‌علی‌اکبری (۱۳۹۵) با تأکید بر نهاد به‌عنوان کنش جمعی اظهار داشتند برنامه‌ریزی ارتباطی، ضمن رد برنامه‌ریزی بالا

به پایین، ضرورت حضور همه کنشگران را در فرایند برنامه‌ریزی خاطر نشان می‌سازد. یافته‌های تحقیق مخبری و پرتوی (۱۳۹۶) بیانگر آن بود که نبود هماهنگی و همکاری بین‌بخشی در نهادهای ذی‌ربط، ناهمخوانی و تداخل قوانین و مقررات در رابطه با وظایف نهادها، تعریف نکردن نقش میانجی‌گر و تسهیلگر برای برنامه‌ریز، ضعف مشارکت مردمی و نقش کم‌رنگ سازمان‌های مردم‌نهاد و نبود سیستم آموزشی فراگیر و فرهنگ‌سازی ضعیف، از مهم‌ترین مشکلات در نظام برنامه‌ریزی تهران هستند. یافته‌های پژوهش شفیع‌ی ثابت و میرواحدی (۱۳۹۸) ناکارآمد بودن رویکرد برنامه‌ریزی را در ارتقای شاخص‌های توانمندسازی در توسعه پایدار روستایی نشان داد.

به نظر اینس^۱ (۱۹۹۸) برنامه‌ریزی ارتباطی مستلزم مفهوم جدیدی از اطلاعات و چگونگی تأثیر آن بر عمل است؛ به این معنا که مفهومی از عقلانیت ارتباطی، تکمیل‌کننده عقلانیت ابزاری است. مک‌گوارک (۲۰۰۱) استدلال کرد هر نظریه‌ای که هدفش دموکراتیک کردن عملکرد برنامه‌ریزی باشد، باید از جهت‌گیری به اجماع که یکی از ویژگی‌های تعیین‌کننده نظریه برنامه‌ریزی ارتباطی است، خارج شود. از نظر ولتجر^۲ (۲۰۱۷) نظریه برنامه‌ریزی ارتباطی، ارتباط یکنواختی برای چالش‌هایی که متخصصان برنامه‌ریزی با آن روبه‌رو هستند، ارائه نمی‌دهد. نتایج مطالعه وانگ و وانگ (۲۰۲۰) نشان داد نبود گشودگی و شمول، مانع از اثربخشی اقدامات ارتباطی در این عمل فراملی می‌شود و کاربرد کامل آن ممکن است به تغییر نهادی فراتر از برنامه‌ریزی نیاز داشته باشد.

در بررسی پیشینه تحقیق «تحلیل نارسایی الگوهای موجود برنامه‌ریزی محلی سکونتگاه‌های روستایی با رویکرد نظریه ارتباطی» موضوعی بود که به آن پرداخته شده و لاقلاً در موضوعات هم‌راستا جواب روشن و دقیقی به آن داده نشده است. این مسئله سبب شد شکاف تحقیقاتی شناسایی شود. از طرفی استفاده هم‌زمان از هر دو روش کیفی و کمی به شیوه آمیخته و همگرا و همچنین تأیید و مطابقت نتایج آن، وجه تمایز این تحقیق با تحقیقات پیشین است. در واقع یکی از موضوعات مهم در برنامه‌ریزی‌های توسعه، نادیده‌انگاشتن یا توجه اندک به برنامه‌ریزی محلی سکونتگاه‌های روستایی است؛ به این معنا که توسعه منطقه‌ای، در چارچوب استانی مطرح شده است

1. Innes
2. Woltjer

و کمتر به سطوح محلی توجه می‌شود؛ بنابراین امروزه روند جهانی مشارکت ذی‌نفعان، در توسعه منطقه‌ای وجود دارد و این اصلی کلیدی و پشتوانه‌ای برای تهیه راهبردهای جوامع است. در نهایت مؤلفه مشارکتی در تصمیم‌گیری‌ها برای تولید چشم‌اندازهای بلندمدت، اساسی به نظر می‌رسد.

حساسیت نظری تحقیق

نظریه برنامه‌ریزی ارتباطی، مفروضاتی درمورد چگونگی برنامه‌ریزی و همچنین ایده‌هایی را درباره اینکه نظریه باید برای چه و به چه شکلی باشد، به چالش کشید (اینس و بوهر، ۲۰۱۴: ۲). براساس این رویکرد، کار سیاست اساساً از طریق تعامل اجتماعی انجام می‌شود و به دنبال ارائه ابزارهای عملی و معیارهای هنجاری برای ایجاد تعاملات خلاقانه و ارزیابی فرایندهایی است که در حال تکامل هستند (هیلی، ۱۹۹۹: ۱۱۶) و با دیدگاه برنامه‌ریزی به‌عنوان یک فرایند بلندمدت مشخص می‌شود در آن، تمرکز نه تنها روی هدف برنامه‌ریزی نیست، بلکه در فرایند به‌جای محاسبات، بر فرایند متمرکز است که شامل و مبتنی بر منافع و دامنه مشارکت شهروندان است (مانبرگ و ویلبورگ، ۲۰۰۸: ۳۹). البته ایده اصلی این است که برنامه‌ریزی می‌تواند از طریق افزایش کیفیت و کمیت ارتباطات بین بازیگران برنامه‌ریزی، دموکراتیک‌تر و منصفانه‌تر شود (ماتیلا، ۲۰۱۹). نظریه برنامه‌ریزی ارتباطی، بر پایه اندیشه‌های اندیشمندانی قرار دارد که ضمن انتقاد از برنامه‌ریزی خردگرا، بر رویکرد عقلانیت ارتباطی تأکید می‌کنند (رفیعیان و معروفی، ۱۳۹۰: ۱۱۴). بررسی میزان توجه به معیارهای مذکور در نظام برنامه‌ریزی توسعه روستایی ایران، نشان از نبود توجه کافی و هدفمند به این مهم دارد (جدول ۱).

جدول ۱. مقایسه معیارهای رویکرد ارتباطی و میزان توجه به آن‌ها در طرح‌های توسعه روستایی

در ایران

معیارها	رویکرد ارتباطی	طرح‌های توسعه روستایی پس از انقلاب
ارتباط برنامه‌ریزی	- ارتباط سازنده برنامه‌ریزان با مردم در پایه	- ارتباط برنامه‌ریزان با مردم برای گردآوری اطلاعات
	- ارتباط برنامه‌ریزان با نهادهای مردمی در	- ارتباط با نهادهای مردمی برای کسب اطلاعات و اخذ نظرات
	-	- نبود ارتباط نهادینه‌شده میان مردم برای برنامه‌ریزی

معیارها	رویکرد ارتباطی	طرح‌های توسعه روستایی پس از انقلاب
گفت‌وگو	- سازمان‌دهی گفت‌وگوهای مردمی در راستای هدف طرح - مشارکت در تهیه طرح از طریق اجماع در گفت‌وگو - مشارکت در اجرای طرح به‌عنوان نیاز مردم روستا	- نبود گفت‌وگوی هدف‌دار با هدف دستیابی به اجماع در تهیه و اجرای طرح - کمک مردم به کارگزاران در تهیه و اجرای طرح
آموزش	- آموزش فنون ارتباطی به برنامه‌ریزان - آموزش ارتباطی به مردم - آموزش برنامه‌ریزی به مردم با استفاده از فنون خاص ارتباطی	- تخصص‌گرایی و نداشتن آموزش‌های ارتباطی برنامه‌ریزان - نبود روش‌های ارائه آموزش‌های ارتباطی - برنامه‌ریزی به مردم

منبع: افتخاری و همکاران، ۱۳۸۳: ۱۷

فرایند طرح‌های توسعه روستایی نشان می‌دهد متخصص‌محوری و ویژگی غیرمشارکتی، مانع از توجه لازم به معیارهای رویکرد ارتباطی شده و رویکرد ارتباطی در برنامه‌ریزی، واجد ارزش‌های لازم برای تحقق فرایند مطلوب برنامه‌ریزی توسعه روستایی در کشور بوده است (افتخاری و بهزادنسب، ۱۳۸۳: ۲۰). برنامه‌ریزان ارتباطی اغلب به دلیل نداشتن یک راهبرد معتبر برای برخورد با روابط قدرت مغرضانه، مورد انتقاد واقع می‌شوند (ساگر، ۲۰۰۶: ۲۲۳)؛ از سویی، به‌عنوان یک پارادایم غالب در نظریه برنامه‌ریزی، نظریه برنامه‌ریزی ارتباطی هم از بحث‌های نظری و هم از بازتاب‌های عملی مورد انتقاد واقع شده‌اند (وانگ و وانگ، ۲۰۲۰: ۲)؛ به طوری که برنامه‌ریزی ارتباطی در تبیین روابط قدرت در برنامه‌ریزی ضعیف است (فلیوبیرگ، ۲۰۰۴: ۲۸۴). از نظر منتقدان «برنامه‌ریزی ارتباطی و مشارکتی، در نظریه برنامه‌ریزی موقعیتی فوق‌العاده هژمونیک دارند» و «گزینه‌های جایگزین عمدتاً در حاشیه باقی می‌مانند» (پورسل، ۲۰۰۹: ۱۴۸). باین‌حال اغلب معیارهای فرایند ارتباطی را می‌توان در سه اصل جامعیت (فراگیربودن طرف‌های شرکت‌کننده)، صراحت و شفافیت برای فرایند بحث و ایجاد اجماع نظر برای راه‌حل‌های سازنده و عملی (وانگ و وانگ، ۲۰۲۰: ۳) خلاصه کرد که می‌تواند زمینه مهمی برای تحقق فرایند مطلوب برنامه‌ریزی محلی توسعه سکونتگاه‌های روستایی فراهم آورد.

روش شناسی تحقیق

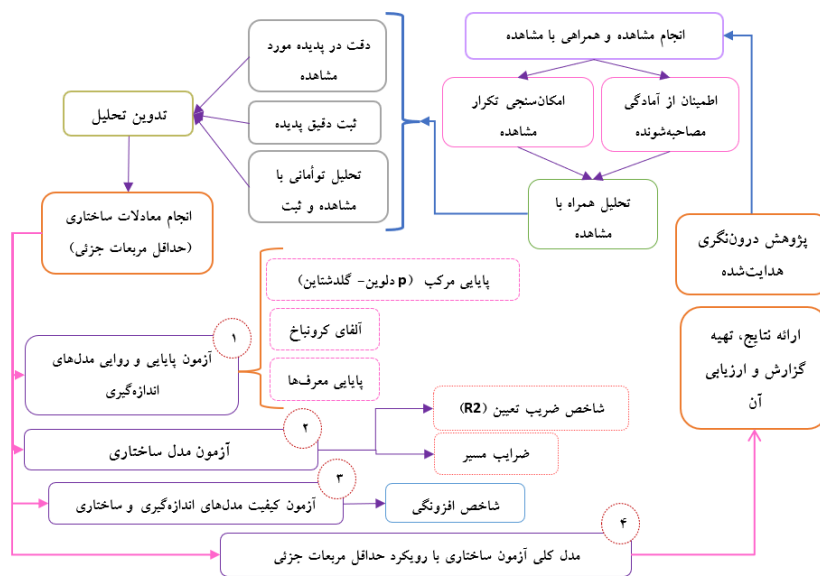
تحقیق حاضر از نظر نحوه گردآوری داده‌ها، پیمایشی از نوع ترکیبی است. براساس هدف، از نوع تحقیقات کاربردی و از لحاظ ماهیت و روش، توصیفی-تحلیلی است. این تحقیق دارای دو مؤلفه روش‌شناختی کیفی و کمی است که در آن به فراخور هرکدام از روش‌ها، از فنون گردآوری، و تجزیه و تحلیل داده‌های خاص استفاده شده است. با توجه به آمیخته بودن مطالعه، در کل ۴۰ نفر برای شرکت در مصاحبه عمیق و پاسخ به پرسش‌های چندگزینه‌ای انتخاب شدند که ۲۵ نفر از این تعداد، در مصاحبه‌های کیفی (شکل ۱) شرکت کردند. در روش پانل، پاسخگویان به صورت نمونه‌گیری انتخاب نمی‌شوند، بلکه براساس ویژگی‌هایی نظیر سابقه، نزدیک بودن رشته تحصیلی و سابقه تجربی، احتمال پاسخگویی، درجه علمی و مانند آن، طبق اولویت دعوت به عمل می‌آید (امیدی و همکاران، ۱۳۹۸: ۹۹) که تحقیق حاضر از این رویه تبعیت کرده است. مشارکت‌کنندگان در این پژوهش استادان دانشگاهی صاحب‌نظر، افراد مطلع در استانداری، سازمان جهاد کشاورزی، فرمانداری، بخشداری و پژوهشگران حوزه برنامه‌ریزی روستایی و منطقه‌ای هستند.



شکل ۱. مشخصات پاسخگویان

در فاز اول (کیفی) تحقیق، با استفاده از روش «درون‌نگری هدایت‌شده» که ذهن‌گرا و تابع فلسفه روش کل‌نگر در عین ژرفانگری است (خنیفر و مسلمی، ۱۳۹۸: ۴۸۸)، عملکرد ذهن و

فکر مشارکت‌کننده، مشاهده و گزارش شده است. به‌موجب ماهیت این رویکرد، کدگذاری اولیه خط به خط از رونوشت‌ها صورت گرفت که در نهایت فهرست جامعی از کدها تهیه و سپس در کدگذاری ثانویه، برای ساخت کدهای متمرکز و مدیریت داده‌ها از نرم‌افزار مکس کیودا استفاده شد. برای توسعه ابزار در بخش کمی، شاخص‌ها و مفاهیم محوری مستخرج از فاز اول تحقیق، به‌صورت پرسشنامه محقق‌ساخته (طیف لیکرت) درآمد. از مدل معادلات ساختاری به شیوه حداقل مربعات جزئی در محیط نرم‌افزار اسمارت پی.ال.اس ۳ در پردازش و تحلیل داده‌های کمی استفاده شده است. روایی بخش کمی براساس اعتبار صوری نظرات پانل و پایایی مطلوب آن نیز به شیوه بررسی پایایی ترکیبی، در بخش یافته‌ها به‌دست آمده است. خروجی گزینه «درصد سازگاری» با ۷۷ درصد نیز نشان از پایایی خوب بین کدگذاری‌ها در بخش کیفی است. شکل ۲ مدل تحلیلی تحقیق را نشان می‌دهد.



شکل ۲. مدل تحلیلی تحقیق

با توجه به اهمیت موضوع، انواع طرح‌های توسعه روستایی در محدوده مورد مطالعه به‌طور خلاصه در جدول ۲ آمده است.

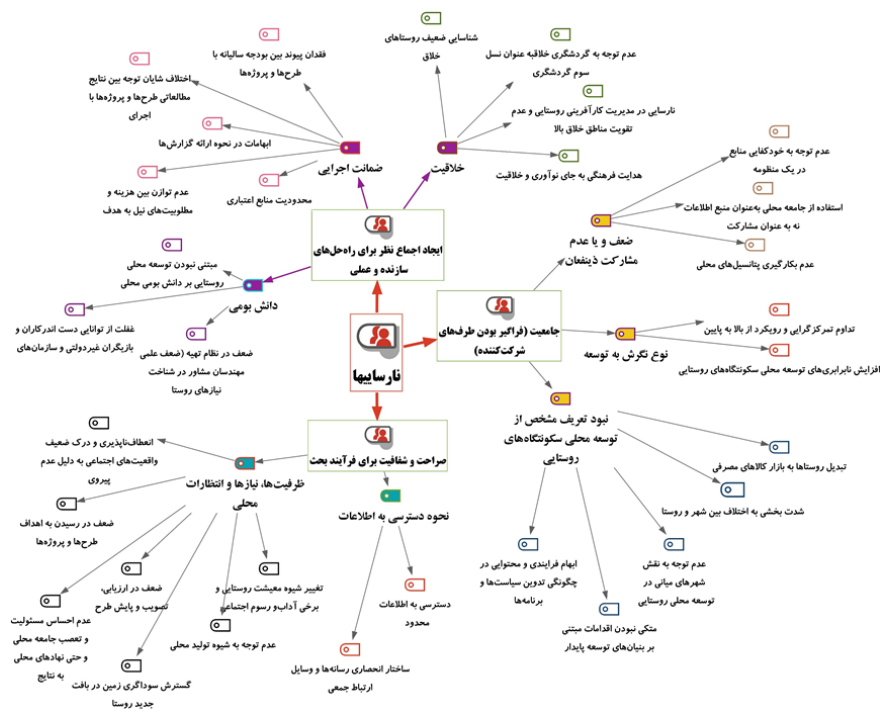
جدول ۲. طرح‌های توسعه محلی سکونتگاه‌های روستایی استان آذربایجان شرقی

عنوان طرح	نتایج
طرح‌های هادی روستایی	میزان برخورداري روستاهای شهرستان از اجرای طرح متفاوت است؛ به طوری که براساس آمار ۱۳۹۵، شهرستان بناب با میزان برخورداري ۸۹ درصد دارای رتبه اول و بستان آباد با ۷ درصد، دارای پایین‌ترین رتبه در این زمینه است. تهیه و مطالعه طرح هادی روستایی و تعیین محدوده روستاهای نمونه در ۲۰۱۳ روستای استان انجام شده و در ۶۹۱ روستا نیز بازنگری صورت گرفته است. در ۱۰۱۴ روستا نیز طرح هادی اجرا شده که درصد میانگین کشوری اجرای آن ۴۲ و میانگین استانی نیز ۴۸ درصد است. براساس آمار بنیاد مسکن، تاکنون ۲۲۹،۵۲۳ جلد سند روستایی صادر شده است.
طرح سامان‌دهی مناطق روستایی	در سطح استان، بخش‌های دارای طرح سامان‌دهی به تفکیک شهرستان شامل روستاهای شهرستان اهر (دو بخش خداآفرین و مرکزی با شش دهستان منتخب)، میانه (بخش‌های ترکمانچای، کاغذکنان، کندوان و مرکزی با در مجموع هفده روستا)، ورزقان (دو بخش مرکزی و خاروانا با هفت روستا) و هشترود (بخش مرکزی با شش روستا) بوده‌اند.
طرح تجمیع روستاهای پراکنده	طرح تجمیع روستاهای پراکنده که سابقه آن به قبل از انقلاب و در برنامه پیشنهادی گروه بتل برمی‌گردد و بعد از انقلاب، در شهرستان زابل به صورت محدود اجرا شده است؛ به موازات این طرح در سطح استانی، بعد از وقوع زلزله ۱۳۹۱ طرح تجمیع روستاها به عنوان عامل ارتقای سطح خدمات‌رسانی توسط استاندار وقت مطرح شد که در نهایت عملیاتی نشد.
طرح بهسازی	در سطح استان تا قبل از سرشماری سال ۱۳۹۵ تعداد واحدهای مسکونی روستایی مقاوم‌سازی شده ۱۲۶،۸۷۶ واحد و پس از سرشماری ۲۲،۲۶۵ واحد بود که در مجموع ۱۴۹،۱۴۱ واحد مسکونی روستایی مقاوم‌سازی و نوسازی شدند و ۳۰۰۰ واحد مسکونی نیز براساس تفاهم‌نامه منعقد شده بین بنیاد مسکن و سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی، با عنوان تفاهم‌نامه مسکن محرومان در نظر گرفته شد. براساس آمار سالنامه آماری استان در سال ۱۳۹۵، واحدهای مسکونی معمولی برحسب نوع اسکلت و مصالح عمده (بتن آرمه و اسکلت فلزی) به کاررفته در ساختمان در نقاط روستایی از ۲۴،۴۱۶ واحد در سال ۱۳۸۵ به تعداد ۱۲۵،۲۹۳ واحد در سال ۱۳۹۵ رسیده است. میانگین مقاوم‌سازی واحدهای مسکونی روستایی در کشور ۴۷ درصد و در آذربایجان شرقی ۴۹ درصد است.
طرح سامان‌دهی و حفاظت از روستاهای واجد ارزش	این طرح، در سال ۱۳۸۳ بین بنیاد مسکن و سازمان میراث فرهنگی منعقد و در سال ۱۳۸۴ برای اجرا ابلاغ شد. براساس آمار بنیاد مسکن استان، تا سال ۱۳۹۴ شانزده روستا دارای بافت با ارزش در استان شناسایی شده بودند که از این تعداد، برای دو روستای اوشتین و زنوزق طرح بهسازی بافت با ارزش تهیه شده است.
طرح جامع توسعه و عمران روستایی	برخورداری ۱۰۰ درصدی روستاهای بالای ۱۰ خانوار استان آذربایجان شرقی از برق و بیش از ۹۷ درصدی جمعیت روستاییان از گاز و برخورداري بیش از ۹۰ درصد روستاییان بالای ۲۰ خانوار از اینترنت در سال ۱۳۹۹ از نتایج اجرای طرح‌های عمران روستایی است.
طرح توسعه پایدار منظومه‌های روستایی برنامه توسعه اقتصادی و اشتغال‌زایی نواحی روستایی	این دو طرح در حال تدوین و انجام مطالعات در استان‌های مختلف هستند که در استان آذربایجان شرقی طرح توسعه پایدار منظومه‌های روستایی در سال ۱۳۹۴ در شهرستان مرند به صورت پایلوت توسط مهندسان مشاور، مطالعه و طرح توسعه اقتصادی و اشتغال‌زایی استان، در قالب قرارداد پژوهشی دانشگاه تبریز با سازمان جهاد کشاورزی و نظارت سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی، در ۵۱۲ روستای آذربایجان شرقی در حال بررسی است.

منبع: یافته‌های تحقیق (۱۴۰۱)؛ افراخته (۱۳۹۹)؛ سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی آذربایجان شرقی (۱۳۹۸)

یافته‌های تحقیق

همان‌گونه که در مبانی نظری بیان شد، علی‌رغم نظرات متفاوت نظریه‌پردازان برنامه‌ریزی، اغلب معیارهای فرایند ارتباطی را می‌توان در سه اصل الف) جامعیت (فراگیربودن طرف‌های شرکت‌کننده)، ب) صراحت و شفافیت برای فرایند بحث، و پ) ایجاد اجماع نظر برای راه‌حل‌های سازنده و عملی خلاصه کرد که با توجه به این سه گزینه اصلی، مهم‌ترین نارسایی‌های الگوهای طرح‌های توسعه روستایی محدودۀ مورد مطالعه در قلمرو رویکرد برنامه‌ریزی ارتباطی از طریق کدگذاری محوری در شکل ۲ نشان داده شده است.



شکل ۳. خروجی کدگذاری داده‌های کیفی با استفاده از مکس کیودا

سی درون‌مایه فرعی در زیرمجموعه سه گزینه به‌عنوان معیارهای فرایند ارتباطی استخراج و در قالب هشت درون‌مایه اصلی طبقه‌بندی شدند. مطابق نتایج فاز اول تحقیق، نارسایی‌های الگوهای برنامه‌ریزی محلی روستایی در زیرعنوان تم‌های اصلی عبارت‌اند از: ۱. ضعف یا نبود مشارکت ذی‌نفعان؛ ۲. نبود تعریف مشخص از توسعه محلی سکونتگاه‌های روستایی؛ ۳. نوع

نگرش به توسعه؛ ۴. ظرفیت‌ها، نیازها و انتظارات محلی؛ ۵. نحوه دسترسی به اطلاعات؛ ۶. دانش بومی؛ ۷. خلاقیت؛ ۸. ضمانت اجرایی. اقدامات انجام شده به عنوان طرح‌ها و پروژه‌های بازآفرینی روستایی، در گذشته به نوبه خود همواره با آسیب‌ها و نارسایی‌هایی همراه بوده‌اند؛ همان‌طور که از نظر رضوانی (۱۳۹۰) طرح‌های توسعه محلی، در اجرا با مشکل جدی مواجه‌اند و به رغم اینکه برای تهیه آن‌ها هزینه‌های نسبتاً زیادی صرف می‌شود، سهم چندانی در نظام برنامه‌ریزی روستایی کشور ندارند. برنامه‌های محلی یا طرح‌های محلی که می‌توانند جایگزین آن‌ها شوند، این قابلیت را دارند که در روند توسعه روستایی کشور نقشی اساسی ایفا کنند؛ بنابراین وزن داده شده به پروژه‌های توسعه روستایی در نرم‌افزار مکس کیودا، براساس هر کدام از نارسایی‌های گذشته در جدول ۳ آمده است.

جدول ۳. نارسایی‌های طرح‌های توسعه روستایی مبتنی بر رویکرد برنامه‌ریزی ارتباطی

امتیاز داده شده به معیارهای فرایند ارتباطی (گزینه) در کدگذاری داده‌های کیفی در نرم‌افزار مکس کیودا							درون‌مایه فرعی	درون‌مایه اصلی	نارسایی معیارهای فرایند ارتباطی
برنامه توسعه اقتصادی و اشتغال‌زایی نواحی روستایی	طرح توسعه پایدار منطقه‌های روستایی	طرح توسعه و عمران روستایی	طرح ساماندهی و حفاظت از روستاهای واجد ارزش	طرح بهسازی	طرح تجمیع روستاهای پراکنده	طرح ساماندهی مناطق روستایی			
۵	۴	۲	۲	۱	۲	۴	استفاده از جامعه محلی به عنوان منبع اطلاعات، نه به عنوان مشارکت‌کنندگان در فرایند برنامه‌ریزی محلی	ضعف یا نبود مشارکت ذی‌نفعان	نارسایی در جامعیت (فراگیر بودن طرف‌های شرکت‌کننده)
۵	۴	۴	۵	۵	۱	۲	عدم به‌کارگیری پتانسیل‌های محلی		
۵	۵	۴	۳	۲	۴	۲	بی‌توجهی به خودکفایی منابع در یک منظومه		
۴	۵	۴	۳	۲	۳	۲	متکی نبودن اقدامات مبتنی بر بنیان‌های توسعه پایدار	نبود تعریف مشخص از	

امتیاز داده شده به معیارهای فرایند ارتباطی (گزینه) در کدگذاری داده های کیفی در نرم افزار مکس کیودا								درون مایه فرعی	درون مایه اصلی	نارسایی معیارهای فرایند ارتباطی
برنامه توسعه اقتصادی و اشتغالزایی نواحی روستایی	طرح توسعه پایدار منظومه های روستایی	طرح توسعه و عمران روستایی	طرح ساماندهی و حفاظت از روستاهای واجد ارزش	طرح بهسازی	طرح تجمیع روستاهای پراکنده	طرح ساماندهی مناطق روستایی	طرح های هادی روستایی			
۶	۵	۵	۱	۲	۴	۲	۱	بی توجهی به نقش شهرهای میانی در توسعه محلی روستایی	توسعه محلی سکونتگاه های روستایی	
۱	۱	۲	۱	۲	۳	۴	۴	ابهام فرایندی و محتوایی در چگونگی تدوین سیاست ها و برنامه ها		
۲	۳	۱	۱	۱	۲	۱	۱	شدت بخشی به اختلاف بین شهر و روستا		
۱	۲	۳	۱	۱	۱	۱	۲	تبدیل روستاها به بازار کالاهای مصرفی		
۱	۵	۴	۳	۴	۵	۳	۴	افزایش نابرابری های توسعه محلی سکونتگاه های روستایی	نوع نگرش به توسعه	
۱	۱	۴	۳	۲	۲	۱	۱	تداوم تمرکزگرایی و رویکرد از بالا به پایین		
۳	۴	۲	۴	۴	۲	۳	۲	ضعف در ارزیابی، تصویب و پایش طرح	ظرفیت ها، نیازها و انتظارات محلی	نارسایی در صراحت و شفافیت برای فرایند بحث
۱	۱	۳	۴	۳	۳	۵	۴	ضعف در رسیدن به اهداف طرح ها و پروژه ها		
۲	۲	۵	۳	۵	۱	۲	۳	نبود احساس مسئولیت و تعصب جامعه محلی و حتی نهادهای محلی به نتایج طرح به علت اجرای نامقبول		
۱	۱	۴	۲	۳	۵	۵	۵	انعطاف ناپذیری و درک ضعیف واقعیت های اجتماعی به دلیل پیروی نکردن از روند		

امتیاز داده شده به معیارهای فرایند ارتباطی (گزینه) در کدگذاری داده‌های کیفی در نرم‌افزار مکس کیودا								درون‌مایه اصلی	نارسایی معیارهای فرایند ارتباطی
برنامه توسعه اقتصادی و اشتغال‌زایی نواحی روستایی	طرح توسعه پایدار منظومه‌های روستایی	طرح توسعه و عمران روستایی	طرح ساماندهی و حفاظت از روستاهای واجد ارزش	طرح بهسازی	طرح تجمیع روستاهای پراکنده	طرح ساماندهی مناطق روستایی	طرح‌های هادی روستایی		
								منطقی کارشناسی‌های مطالعات میدانی	
۱	۱	۴	۵	۴	۵	۵	۵	بی‌توجهی به شیوه تولید محلی	
۱	۲	۳	۳	۴	۵	۲	۴	گسترش سوداگری زمین در بافت جدید روستا	
۲	۵	۴	۳	۲	۵	۳	۴	تغییر شیوه معیشت روستایی و برخی آداب و رسوم اجتماعی	
۲	۲	۴	۴	۱	۳	۱	۱	ساختار انحصاری رسانه‌ها و وسایل ارتباط جمعی	نحوه دسترسی به اطلاعات
۵	۵	۴	۴	۳	۳	۴	۵	دسترسی به اطلاعات محدود	
۴	۴	۳	۳	۲	۳	۳	۵	ضعف در نظام تهیه (ضعف علمی مهندسان مشاور در شناخت نیازهای روستاییان)	
۱	۱	۴	۲	۲	۵	۳	۱	مبتنی نبودن توسعه محلی روستایی بر دانش بومی محلی	دانش بومی
۱	۱	۳	۳	۵	۵	۴	۴	غفلت از توانایی دست‌اندرکاران و بازیگران غیردولتی و سازمان‌های مردم‌نهاد	
۲	۳	۳	۵	۳	۵	۲	۱	هدایت فرهنگی به‌جای نوآوری و خلاقیت	
۴	۱	۴	۲	۴	۵	۵	۴	شناسایی ضعیف روستاهای خلاق	خلاقیت
۲	۲	۳	۳	۲	۴	۲	۱	نارسایی در مدیریت	

نارسایی در ایجاد اجماع نظر برای راه‌حل‌های سازنده و عملی

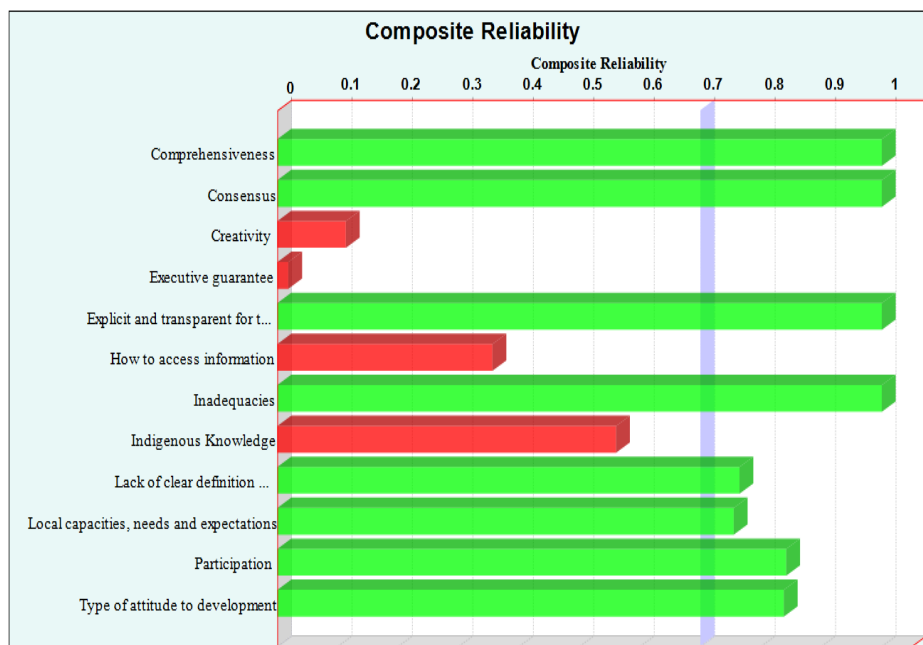
امتیاز داده شده به معیارهای فرایند ارتباطی (گزینه) در کدگذاری داده های کیفی در نرم افزار مکس کیودا								درون مایه اصلی	نارسایی معیارهای فرایند ارتباطی	
برنامه توسعه اقتصادی و اشتغال زایی نواحی روستایی	طرح توسعه پایدار منظومه های روستایی	طرح توسعه و عمران روستایی	طرح ساماندهی و حفاظت از روستاهای واجد ارزش	طرح بهسازی	طرح تجمیع روستاهای پراکنده	طرح ساماندهی مناطق روستایی	طرح های هادی روستایی			
								کارآفرینی روستایی و عدم تقویت مناطق خلاق بالأخص نواحی صنعتی روستایی دانش بنیان	درون مایه اصلی	نارسایی معیارهای فرایند ارتباطی
۱	۱	۵	۲	۲	۵	۵	۵	بی توجهی به گردشگری خلاق به عنوان نسل سوم گردشگری		
۴	۴	۵	۱	۴	۳	۱	۲	نبود پیوند بین بودجه سالیانه با طرح ها و پروژه ها	ضمانت اجرایی	نارسایی معیارهای فرایند ارتباطی
۱	۱	۱	۱	۲	۱	۱	۱	ابهامات در نحوه ارائه گزارش ها		
۲	۳	۵	۳	۳	۵	۴	۵	اختلاف شایان توجه بین نتایج مطالعاتی طرح ها و پروژه ها با اجرای آنها		
۵	۵	۴	۲	۳	۳	۴	۴	نبود توازن بین هزینه و مطلوبیت های رسیدن به هدف		
۵	۵	۵	۵	۵	۵	۵	۴	محدودیت منابع اعتباری		
۳/۱	۲/۹	۳/۵	۲/۸	۲/۷	۳/۶	۲/۹	۲/۵	میانگین		

* بسیار کم = ۱؛ کم = ۲؛ متوسط = ۳؛ زیاد = ۴؛ خیلی زیاد = ۵

منبع: یافته های تحقیق (۱۴۰۱)

به منظور واکاوی نارسایی الگوهای موجود برنامه ریزی محلی روستایی مبتنی بر نظریه برنامه ریزی ارتباطی در استان آذربایجان شرقی، در فاز دوم تحقیق براساس نتایج فاز اول، با

استفاده از مدل‌سازی معادلات ساختاری از طریق نرم‌افزار پی.ال.اس، توسعه ابزار انجام شده است. در شکل ۴ با استفاده از دستور PLS پایایی ترکیبی (کرونباخ-اسپیرمن) مدل اندازه‌گیری نشان داده شده است. نتایج نشان‌دهنده پایایی برخی متغیرهای مربوط به نارسایی الگوهای موجود برنامه‌ریزی محلی روستایی مبتنی بر نظریه برنامه‌ریزی ارتباطی است. متغیرهای «دانش بومی»، «نحوه دسترسی به اطلاعات»، «ضمانت اجرایی» و «خلاقیت» دارای پایایی مناسبی نیستند.



شکل ۴. نمودار بررسی قابلیت اطمینان ترکیبی (کرونباخ-اسپیرمن) متغیرهای مشاهده‌پذیر

منبع: یافته‌های تحقیق (۱۴۰۱)

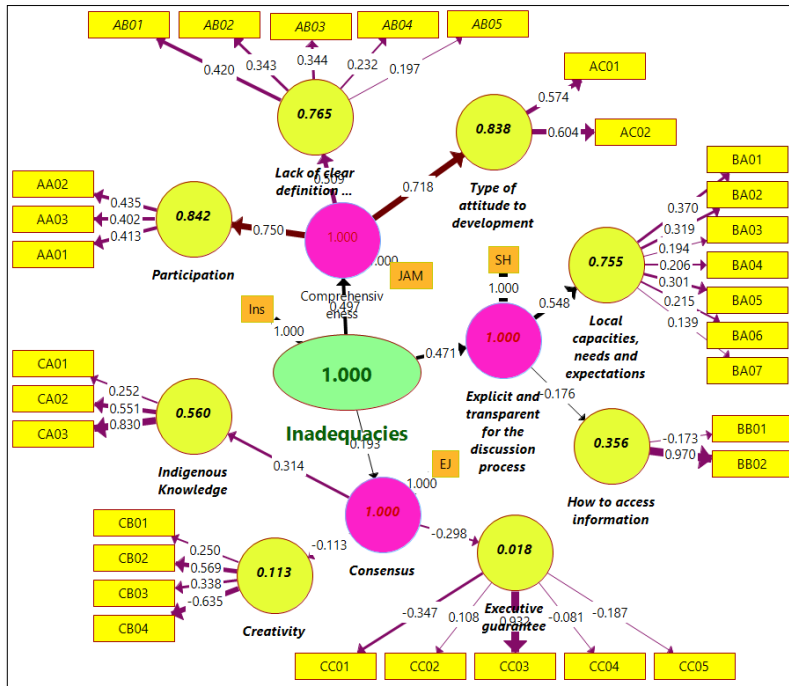
مدل معادلات ساختاری از چندین مدل اندازه‌گیری و فقط یک مدل ساختاری تشکیل می‌شود. ابتدا شاخص ضریب تعیین اسکوار بررسی شده است. متغیرهای مکنون درون‌زا نشان می‌دهد چند درصد از تغییرات متغیر درون‌زا توسط متغیر برون‌زا صورت می‌گیرد. مقادیر ۰/۱۹، ۰/۳۳ و ۰/۶۷ به ترتیب حد آستانه‌های مطرحی هستند که ضعیف، متوسط و قابل توجه توصیف شده‌اند (جدول ۴).

جدول ۴. شاخص ضریب تعیین

وضعیت	R Square Adjusted	R Square	درون‌مایه فرعی	درون‌مایه اصلی
ضعیف	۰/۲۳۴	۰/۲۴۷	ضعف یا نبود مشارکت ذی‌نفعان	جامعیت
ضعیف	۰/۲۴۶	۰/۲۵۹	نبود تعریف مشخص از توسعه محلی روستایی	
متوسط	۰/۵۰۷	۰/۵۱۵	نوع نگرش به توسعه	
ضعیف	۰/۲۸۹	۰/۳۰۱	ظرفیت‌ها، نیازها و انتظارات محلی	صراحت و شفافیت
ضعیف	۰/۰۱۴	۰/۰۳۱	نحوه دسترسی به اطلاعات	ایجاد اجماع نظر
ضعیف	۰/۰۸۳	۰/۰۹۹	دانش بومی	
ضعیف	۰/۰۰۴	۰/۰۱۳	اخلاقیت	
ضعیف	۰/۰۷۳	۰/۰۸۹	ضمانت اجرایی	

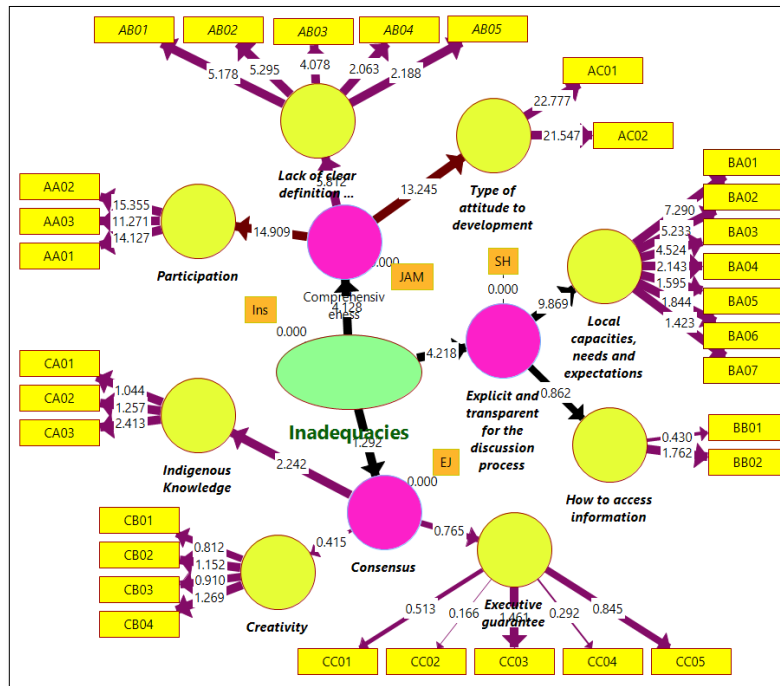
منبع: یافته‌های تحقیق (۱۴۰۱)

مقادیر جدول ۴ از حذف هیچ‌کدام از متغیرها برای تعدیل سایر متغیرها خبر نمی‌دهند. نکته مهم اینکه میزان قابل توجه اسکور متغیر «نوع نگرش به توسعه» است که در زیرمجموعه درون‌مایه «جامعیت» قرار دارد. در شکل ۵ ضرایب مسیر نشان داده شده است. منظور از ضریب مسیر، همان بتای استاندارد شده در رگرسیون خطی است که ضرایب مسیر مثبت، نشان‌دهنده روابط مستقیم بین متغیرهای پنهان درون‌زا و برون‌زا، و ضرایب منفی نشان‌دهنده روابط معکوس بین آنها است. تحلیل مسیر نشان می‌دهد همه روابط بین متغیرهای پنهان درون‌زا و برون‌زا مستقیم است و روابط معکوسی که نشانگر ضرایب منفی باشد، وجود ندارد.



شکل ۵. بررسی سطح متغیرهای مشاهده پذیر

برای مشاهده مقادیر آماره تی و ضرایب معناداری اثرات مستقیم و اثرات کل از خروجی BT نرم افزار استفاده شده و وزنهای عاملی متغیرهای مشاهده پذیر نشان داده شده است (شکل ۶). معناداری ضرایب مسیر مکمل بزرگی و جهت علامت ضریب بتای مدل است. چنانچه مقدار به دست آمده بالای حداقل آماره در سطح مورد اطمینان در نظر گرفته شده باشد، آن رابطه یا فرضیه تأیید می شود. در سطح معناداری ۹۰ درصد، ۹۵ درصد و ۹۹ درصد این مقدار به ترتیب با حداقل آماره تی ۱/۶۴، ۱/۹۶ و ۲/۵۸ مقایسه می شود.



شکل ۶. بررسی وزن‌های عاملی متغیرهای مشاهده‌پذیر

براساس نتایج پردازش:

- ارتباط بین «جامعیت» و «نبود تعریف مشخص از توسعه محلی روستایی» نشان می‌دهد این رابطه با مقدار آماره تی ۵/۸۳، در سطح اطمینان ۹۹ درصد رابطه تأیید می‌شود. «بی‌توجهی به نقش شهرهای میانی در توسعه محلی روستایی» به‌عنوان متغیر آشکار، با مقدار آماره ۵/۲۹ بیشترین تأثیرگذاری را دارد. پیوندهای روستایی-شهری حاصل تعامل دوسویه سکونتگاه‌های روستایی و کانون‌های شهری در عرصه منطقه‌ای است (کریم‌زاده و سعدی، ۱۳۹۹: ۱۴۳). از نظر کانزمن، شهرهای میانی بنا به موقعیت جغرافیایی‌شان می‌توانند سه عملکرد «تولیدی»، «توسعه‌ای» و «تسکینی-تعدیلی» داشته باشند. به‌نظر راندینلی نیز شهرهای کوچک و میانی بیشترین روابط را با سکونتگاه‌های روستایی حوزه نفوذ خود برقرار می‌سازند؛ بنابراین توجه به نقش شهرهای میانی در توسعه محلی سکونتگاه‌های روستایی مهم است.

- ارتباط بین «جامعیت» و «ضعف یا نبود مشارکت ذی‌نفعان» نشان می‌دهد این رابطه با مقدار آماره تی ۱۴/۹، در سطح اطمینان ۹۹ درصد رابطه تأیید می‌شود. «استفاده از جامعه محلی به‌عنوان منبع اطلاعات، نه به‌عنوان مشارکت‌کنندگان در فرایند برنامه‌ریزی محلی»، به‌عنوان متغیر آشکار با مقدار آماره ۱۵/۳۵ بیشترین تأثیرگذاری را دارد. امروزه برنامه‌ریزان در برنامه‌ریزی‌ها به‌ویژه در برنامه‌های پنجم و ششم (و احتمالاً در برنامه هفتم توسعه در آینده نزدیک) به تهیه طرح‌ها در مقیاس محلی گرایش یافته‌اند. علاوه‌براین می‌توان گفت تدوین طرح‌ها و پروژه‌های محلی سکونتگاه‌های روستایی، با استفاده از مشارکت جامعه محلی امکان‌پذیر می‌شود. سؤالی که مطرح می‌شود این است که جامعه روستایی چگونه می‌تواند در جهت برآورد نیازهای خود فعال شود.
- ارتباط بین «جامعیت» و «نوع نگرش به توسعه» نشان می‌دهد این رابطه با مقدار آماره تی ۱۳/۲۴، در سطح اطمینان ۹۹ درصد رابطه تأیید می‌شود. «افزایش نابرابری‌های توسعه محلی سکونتگاه‌های روستایی» به‌عنوان متغیر آشکار با مقدار آماره ۲۲/۷۸ بیشترین تأثیرگذاری را دارد. در نظریات جدید توسعه، به‌ویژه در رویکرد توسعه ارتباطی، انسان به‌عنوان یک موجود متفکر که توانایی ایجاد تغییر در محیط زندگی و فعالیت خود را دارد، محور توسعه قلمداد می‌شود. توسعه انسانی با استفاده از شیوه‌های مشارکتی زمینه‌ای برای برطرف‌ساختن نیازهای اساسی ایجاد می‌کند. همان‌گونه که در بحث نظری گفته شد، کاهش ناهماهنگی‌های توسعه و دستیابی به توسعه منطقه‌ای متعادل، یکی از اهداف مهم سیاست‌های توسعه منطقه، از سطح خرد تا کلان است و توسعه محلی و منطقه‌ای باید به‌عنوان یک رویکرد مؤثر در توسعه فرایندهای اجتماعی-اقتصادی و توزیع متوازن منابع در یک منطقه شناخته شود و بهبود کیفیت زندگی جوامع محلی از پیامدهای بلندمدت آن است. در این صورت است که شاهد «افزایش نابرابری‌های توسعه محلی سکونتگاه‌های روستایی» نخواهیم بود.
- ارتباط بین «صراحت و شفافیت برای فرایند بحث» و «ظرفیت‌ها، نیازها و انتظارات محلی» نشان می‌دهد این رابطه با مقدار آماره تی ۹/۸۷، در سطح اطمینان ۹۹ درصد رابطه تأیید می‌شود. هدف اصلی در برنامه‌ریزی توسعه، سامان‌دهی مجموعه منابع موجود و بالقوه کشور در مسیر بهره‌وری برای توسعه در ابعاد مختلف و بهبود شرایط زندگی برای همه افراد جامعه است. از آنجا که وضعیت موجود را نیز می‌توان از طریق بررسی آمار و ارقام

شناخت، تأخیر در ارائه گزارش عملکرد اقتصادی می‌تواند مهم‌ترین ضعف ساختار اطلاعاتی، نظام آماری و اطلاعاتی نامناسب باشد. بررسی روابط متغیر پنهان با متغیرهای آشکار در این مورد نشان می‌دهد «ضعف در ارزیابی، تصویب و پایش طرح» به‌عنوان متغیر آشکار با مقدار آماره $7/29$ بیشترین تأثیرگذاری را دارد. باید گفت ماهیت اقتصاد روستا و بافت فرهنگی-اجتماعی آن، بسیار متفاوت با شهرها است، اما به این مسئله توجه زیادی نمی‌شود. سهم عمده اعتبارات روستایی به امور کالبدی-فیزیکی-خدماتی اختصاص می‌یابد و اشتغال و اقتصاد روستا سهم بسیار ناچیزی دارد و در برنامه‌های خرد هم شاهد ضعف سازوکارهای نظارتی در عمران روستایی هستیم.

- ارتباط بین «صراحت و شفافیت برای فرایند بحث» و «نحوه دسترسی به اطلاعات» نشان می‌دهد این رابطه با مقدار آماره $0/86$ ، در سطح اطمینان 909 درصد رابطه تأیید نمی‌شود. ارتباط بین «ایجاد اجماع نظر برای راه‌حل‌های سازنده و عملی» و «دانش بومی» بیانگر آن است که این رابطه با مقدار آماره $2/24$ ، در سطح اطمینان 95 درصد رابطه تأیید می‌شود. نبود یک مبنای فکری بومی در نتیجه عدم مدیریت صحیح و مشارکت‌ندادن ذی‌نفعان در مرحله اول برنامه‌ریزی، همه مراحل برنامه‌ریزی را به ضرر جامعه روستایی تداوم می‌دهد و موجب می‌شود مسائل و مشکلاتی در جامعه روستایی به‌عنوان آسیب جدی نمود پیدا کند که هم‌راستا با جایگاه روستا در برنامه‌های پنج‌ساله توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نیست و پیامدهای مختلفی دارد. «غفلت از توانایی دست‌اندرکاران و بازیگران غیردولتی و سازمان‌های مردم‌نهاد» متغیری است که با آماره $2/41$ دارای بیشترین تأثیرگذاری در این زمینه است که در سطح اطمینان 95 درصد تأیید می‌شود.

- ارتباط بین متغیر پنهان «ایجاد اجماع نظر برای راه‌حل‌های سازنده و عملی» و متغیرهای آشکار «خلاصیت» با مقدار آماره $0/42$ و «ضمانت اجرایی» با مقدار آماره $1/46$ در سطح اطمینان 90 درصد رابطه تأیید نمی‌شود.

در بررسی معیار سنجش شاخص Q2 استون-گایسلر باید گفت سه مقدار $0/15$ ، $0/02$ و $0/35$ را به ترتیب به‌عنوان مقادیر ضعیف، متوسط و قوی برای این شاخص معرفی کرده‌اند. متغیرهای «ضعف یا نبود مشارکت ذی‌نفعان»، «نبود تعریف مشخص از توسعه محلی روستایی» و «نوع نگرش به توسعه» دارای مقادیر قوی برای تعیین قدرت پیش‌بینی مدل هستند. نتیجه

بیانگر آن است که در معیارهای فرایند ارتباطی معیار جامعیت (فراگیربودن طرف‌های شرکت‌کننده) در برنامه‌ریزی محلی سکونتگاه‌های روستایی محدوده مورد مطالعه بسیار مهم است. از طرفی، درون‌مایه‌های «ظرفیت‌ها، نیازها و انتظارات محلی» و «نحوه دسترسی به اطلاعات» در معیار «صراحت و شفافیت» دارای مقادیر متوسط برای تعیین قدرت پیش‌بینی مدل هستند؛ این در حالی است که همه متغیرهای مربوط به معیار «ایجاد اجماع نظر برای راه‌حل‌های سازنده و عملی» دارای مقادیر ضعیف برای تعیین قدرت پیش‌بینی مدل هستند؛ بنابراین می‌توان گفت تا زمانی که مشارکت ذی‌نفعان در همه مراحل برنامه‌ریزی نباشد و تعریف مشخصی از توسعه محلی روستایی وجود نداشته باشد، همچنین نوع نگرش به توسعه، ارتباطی و پایین به بالا نباشد و از ظرفیت‌ها، نیازها و انتظارات محلی به نحو احسن استفاده نشود و علاوه بر همه این‌ها، نحوه دسترسی به اطلاعات کافی نباشد، نمی‌توان به اجماع نظر برای راه‌حل‌های سازنده و عملی از طریق دانش بومی، خلاقیت و ضمانت اجرایی دست یافت.

جدول ۵. مقادیر به دست آمده برای شاخص CV Red

درون‌مایه اصلی	متغیر	SSO	SSE	Q	قضایوت
جامعیت	ضعف یا نبود مشارکت ذی‌نفعان	۱۸۰/۰۰	۱۱۶/۳۹۴	۰/۳۵۳	بالاتر از ۰/۳۵ و قوی بودن شاخص
	نبود تعریف مشخص از توسعه محلی روستایی	۳۰۰/۰۰۰	۲۷۳/۲۹۱	۰/۳۸۹	
	نوع نگرش به توسعه	۱۲۰/۰۰۰	۷۵/۹۰۰	۰/۳۶۷	
صراحت و شفافیت	ظرفیت‌ها، نیازها و انتظارات محلی	۴۲۰/۰۰۰	۳۹۲/۷۶۵	۰/۱۶۵	بالاتر از ۰/۱۵ و متوسط بودن شاخص
	نحوه دسترسی به اطلاعات	۱۲۰/۰۰۰	۱۲۳/۷۲۵	۰/۱۵۱	
ایجاد اجماع نظر	دانش بومی	۱۲۰/۰۰۰	۱۸۰/۶۰۶	۰/۰۱۳	بالاتر از ۰/۰۲ و ضعیف بودن شاخص
	خلاقیت	۲۴۰/۰۰۰	۲۴۹/۸۸۶	۰/۰۴۱	
	ضمانت اجرایی	۳۰۰/۰۰۰	۳۰۴/۵۲۶	۰/۰۱۵	

منبع: یافته‌های تحقیق (۱۴۰۱)

با عنایت به یافته‌های تحقیق و با توجه به ترتیب زمانی آغاز و شروع طرح‌های محلی مورد بررسی، در این فرایند زمانی سیر تقویت رویکرد ارتباطی در طرح‌های توسعه محلی بررسی شده است (جدول ۶).

جدول ۶. سیر تقویت رویکرد ارتباطی در طرح‌های توسعه محلی

عنوان طرح	محدوده طرح	گستره جغرافیایی	ماهیت طرح	سیر زمانی	سیر تقویت رویکرد ارتباطی
هادی روستایی	روستا	همه روستاهای کشور	کالبدی	از سال ۱۳۶۲	نبود ارتباط نهادینه شده میان مردم برای برنامه‌ریزی، نبود گفت‌وگوی هدف‌دار و نبود روش‌های ارائه آموزش‌های ارتباطی
تجمع روستاهای پراکنده	ناحیه روستایی بخش یا دهستان	برخی قلمروهای روستایی	کالبدی	از سال ۱۳۶۸	برنامه‌ریزی به مردم و نارسایی در ارتباط، گفت‌وگو و آموزش
سامان‌دهی مناطق روستایی	کشور، استان و شهرستان	مناطق روستایی	فضایی- کالبدی	از سال ۱۳۷۹	نارسایی در ارتباط، گفت‌وگو و آموزش
بهسازی	روستا	همه روستاهای کشور	فضایی- کالبدی	از سال ۱۳۷۴	برنامه‌ریزی به مردم و نارسایی در ارتباط، گفت‌وگو و آموزش
سامان‌دهی و حفاظت از روستاهای واجد ارزش	بافت با ارزش روستا	روستاهای دارای بافت با ارزش	کالبدی	از سال ۱۳۸۳	نبود ارتباط نهادینه شده میان مردم برای برنامه‌ریزی
توسعه و عمران روستایی	کشور، استان، شهرستان	مناطق روستایی	فضایی- کالبدی	دارای پیشینه زیاد- عدم وصول در سال ۱۳۹۵ و اعلام وصول در سال ۱۳۹۹	تا حدودی ارتباط برنامه‌ریزان با نهادهای مردمی در برنامه‌ریزی، مشارکت حداقلی
توسعه پایدار منظومه‌های روستایی	کشور، استان، شهرستان	مناطق روستایی	فضایی- کالبدی	از سال ۱۳۹۲	ارتباط برنامه‌ریزان با نهادهای مردمی در برنامه‌ریزی، سازمان‌دهی گفت‌وگوهای مردمی در راستای هدف طرح و مشارکت در تهیه طرح از طریق اجماع در گفت‌وگو
توسعه اقتصادی و اشتغال‌زایی	کشور، استان، شهرستان	روستاهای هدف	فضایی- کالبدی	از سال ۱۳۹۸	

منبع: یافته‌های تحقیق (۱۴۰۱)؛ افراخته (۱۳۹۹)؛ رکن‌الدین افتخاری و همکاران (۱۳۸۳)

بررسی سیر تقویت رویکرد ارتباطی نشان می‌دهد ویژگی غیرمشارکتی و مشارکت حداقلی ناشی از غلبه رویکرد عقلایی‌گرایی در طرح‌های توسعه روستایی تا سال ۱۳۹۲ همچنان مطرح بوده و با طرح توسعه پایدار منظومه‌های روستایی و برنامه توسعه اقتصادی و اشتغال‌زایی، ارتباط برنامه‌ریزان با نهادهای مردمی در فرایند برنامه‌ریزی و مشارکت در تهیه طرح از طریق اجماع در گفت‌وگو و برگزاری جلسات مشارکتی تقویت شده است و تا حدودی سیر تدوین برنامه‌ها به سمت رویکرد ارتباطی رفته که تداوم این روند در مرحله عملیاتی‌شدن این طرح‌ها را نمی‌توان تخمین زد.

بحث و نتیجه‌گیری

اغلب معیارهای فرایند ارتباطی را می‌توان در سه اصل جامعیت (فراگیربودن طرف‌های شرکت‌کننده)، صراحت و شفافیت برای فرایند بحث و ایجاد اجماع نظر برای راه‌حل‌های سازنده و عملی خلاصه کرد که با توجه به این سه گزینه اصلی، مهم‌ترین نارسایی‌های طرح‌های توسعه روستایی محدوده مورد مطالعه، در قلمرو رویکرد برنامه‌ریزی ارتباطی استخراج شد. سی درون‌مایه فرعی از نتایج درون‌نگری در زیرمجموعه سه گزینه به‌عنوان معیارهای فرایند ارتباطی استخراج و در قالب هشت درون‌مایه اصلی طبقه‌بندی شدند.

بررسی سیر تقویت رویکرد ارتباطی نشان داد ویژگی غیرمشارکتی و مشارکت حداقلی ناشی از غلبه رویکرد عقلایی‌گرایی در طرح‌های توسعه روستایی استان، تا سال ۱۳۹۲ همچنان مطرح بوده و با طرح توسعه پایدار منظومه‌های روستایی و برنامه توسعه اقتصادی، و اشتغال‌زایی، ارتباط برنامه‌ریزان با نهادهای مردمی در فرایند برنامه‌ریزی و مشارکت در تهیه طرح، از طریق اجماع در گفت‌وگو و برگزاری جلسات مشارکتی تقویت شده و تا حدودی سیر تدوین برنامه‌ها به سمت رویکرد ارتباطی رفته است. مک‌گوارک با توجه به سیستم متمرکز برنامه‌های توسعه پنج‌ساله (۲۰۰۱) به ماهیت کاهش‌ناپذیر قدرت و تفاوت تأکید کرده است. از این رو تداوم روند کنونی را در مرحله عملیاتی‌شدن این طرح‌ها نمی‌توان قطعی دانست؛ زیرا بررسی مطالعه اینس (۱۹۹۸) نشان داد با تمرین ارتباطی است که برنامه‌ریزان بر کنش عمومی تأثیر گذاشته‌اند و برنامه‌ریزی ارتباطی مستلزم مفهوم جدیدی از اطلاعات و چگونگی تأثیر آن بر عمل است.

پیوندهای روستایی-شهری حاصل تعامل دوسویه سکونتگاه‌های روستایی و کانون‌های شهری در عرصه منطقه‌ای است. تدوین طرح‌ها و پروژه‌های محلی سکونتگاه‌های روستایی، با استفاده از مشارکت جامعه محلی امکان‌پذیر می‌شود. باید گفت مشارکت ذی‌نفعان در چنین فرایندی با تداوم اتخاذ رویکرد بالا به پایین و متمرکز به‌وقوع نخواهد پیوست و بهترین نوع مشارکت زمانی روی می‌دهد که به شیوه‌های مشارکت در برنامه‌ریزی ارتباطی در تمام مراحل برنامه (پیش‌نیازها، تدوین، محتوا و اجرا) توجه صورت گیرد و به‌دقت سازمان‌دهی شود. در نتیجه مردم مشارکت‌کنندگان در فرایند برنامه‌ریزی محلی باشند و نه منبع اطلاعات. رکن‌الدین افتخاری و بهزادنسب (۱۳۸۳) نیز به اتخاذ رویکرد ارتباطی به‌عنوان یکی از ضرورت‌های مهم فرایند برنامه‌ریزی توسعه روستایی تأکید کردند. علیایی و کریمیان (۱۳۹۰) نیز بر اهمیت توجه به دانش و مشارکت مردم روستا به‌عنوان ذی‌نفعان اصلی این برنامه‌ها تأکید ورزیدند.

هدف اصلی در برنامه‌ریزی توسعه، سامان‌دهی مجموعه منابع موجود و بالقوه کشور در مسیر بهره‌وری، برای توسعه ابعاد مختلف و بهبود شرایط زندگی برای همه افراد جامعه است. از آنجا که وضعیت موجود را نیز می‌توان از طریق بررسی آمار و ارقام شناخت، تأخیر در ارائه گزارش عملکرد اقتصادی می‌تواند مهم‌ترین ضعف ساختار اطلاعاتی، نظام آماری و اطلاعاتی نامناسب باشد. باید گفت ماهیت اقتصاد روستا و بافت فرهنگی-اجتماعی آن، بسیار متفاوت با شهرها است، اما توجه زیادی به این مسئله نمی‌شود. سهم عمده اعتبارات روستایی به امور کالبدی-فیزیکی و خدماتی اختصاص می‌یابد و اشتغال و اقتصاد روستا سهم بسیار ناچیزی دارد. این در حالی است که در برنامه‌های خرد هم شاهد ضعف سازوکارهای نظارتی در عمران روستایی هستیم. متوسلی و حاجی‌علی‌اکبری (۱۳۹۵) در تحقیق خود با تأکید بر نهاد بیان کردند فرایندهای ارتباطی می‌توانند سبب ایجاد اتفاق نظر در مورد موضوعات اجتماعی و ترغیب اراده سیاسی برای تغییر شوند.

نبود یک مبنای فکری بومی در نتیجه عدم مدیریت صحیح و به مشارکت‌نگرفتن ذی‌نفعان در مرحله اول برنامه‌ریزی، همه مراحل برنامه‌ریزی را به ضرر جامعه روستایی تداوم می‌بخشد و موجب می‌شود در جامعه روستایی مسائل و مشکلاتی به‌عنوان آسیب جدی نمود پیدا کند که هم‌راستا با جایگاه روستا در برنامه‌های پنج‌ساله توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نیست و پیامدهای مختلفی به‌همراه دارد. در این زمینه، یافته‌های پژوهش شفيعی ثابت و میرواحدی

(۱۳۹۸) نیز ناکارآمد بودن رویکرد برنامه‌ریزی در ارتقای شاخص‌های توانمندسازی در توسعه پایدار روستایی را نشان می‌دهد. یافته‌های مطالعه مخبری و پرتوی (۱۳۹۶) نیز بیانگر آن بود که عدم تعریف نقش میانجی‌گر و تسهیلگر برای برنامه‌ریزی، ضعف مشارکت مردمی، نقش کم‌رنگ سازمان‌های مردم‌نهاد، نبود سیستم آموزشی فراگیر و فرهنگ‌سازی ضعیف از مهم‌ترین مشکلات در نظام محلی برنامه‌ریزی هستند.

با توجه به نتایج تحقیق، «ضعف یا عدم مشارکت ذی‌نفعان»، «نبود تعریف مشخص از توسعه محلی روستایی» و «نوع نگرش به توسعه» دارای مقادیر قوی برای تعیین قدرت پیش‌بینی مدل هستند. یافته‌ها نشان داد طرح تجمیع روستاهای پراکنده و طرح جامع توسعه و عمران روستایی دارای بیشترین امتیاز نارسایی در معیارهای فرایند ارتباطی بودند. طرح بهسازی در مقایسه با بقیه طرح‌ها از وضعیت مناسبی برخوردار است که می‌توان یکی از دلایل آن را بالابودن میانگین مقاوم‌سازی واحدهای مسکونی روستایی آذربایجان شرقی به کل کشور نسبت داد که تا حدودی موفق عمل کرده است؛ بنابراین می‌توان گفت تا زمانی که مشارکت ذی‌نفعان در همه مراحل برنامه‌ریزی و تعریف مشخص از توسعه محلی روستایی نباشد و نوع نگرش به توسعه از نوع ارتباطی و پایین به بالا نبوده و از ظرفیت‌ها، نیازها و انتظارات محلی به نحو احسن استفاده نشود و نحوه دسترسی به اطلاعات کافی نباشد، نمی‌توان به اجماع نظر برای راه‌حل‌های سازنده و عملی از طریق دانش بومی، خلاقیت و ضمانت اجرایی دست یافت. در راستای نتایج تحقیق، پیشنهادهای ذیل مطرح می‌شود:

- ایجاد یک نهاد متولی و نظام مدیریتی روستایی واحد و مشخص؛
- توجه به مشارکت ذی‌نفعان در همه مراحل (پیش‌نیازها، تدوین، محتوا و اجرا) برنامه‌ریزی محلی روستایی؛
- اتخاذ رویکرد ارتباطی (پایین به بالا) و تقویت همکاری بین نهادها به‌عنوان نقش میانجی‌گر و تسهیلگر توسعه محلی؛
- توجه به نقش شهرهای میانی در برنامه‌ریزی توسعه محلی سکونتگاه‌های روستایی؛
- تقویت ساختار اطلاعاتی، نظام آماری و اطلاعاتی برای توسعه وضع موجود با رویکرد آینده‌نگاری افق متصور؛

- با توجه به اینکه مطالعات روستایی در تلاقی هردو رویکرد کمی و کیفی قرار دارند، مطالعات روستایی می‌تواند به بستر مناسبی برای افزایش استفاده از روش‌های آمیخته تبدیل شود.

منابع

- آزاد ارمکی، تقی، جلایی‌پور، حمیدرضا و دلپسند، کامل (۱۳۹۷). کارگزاران توسعه محلی: تحلیل جامعه‌شناختی نیروهای مؤثر در توسعه منطقه مرزی پیرانشهر، توسعه محلی (روستایی-شهری). دوره دهم، شماره ۱: ۱-۲۸.
- افراخته، حسن (۱۳۹۹). *بایسته‌های ساختاری توسعه در نواحی روستایی ایران*. تهران: نشر قومس.
- سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی آذربایجان شرقی (۱۳۹۸). *سالنامه آماری استان آذربایجان شرقی*. تبریز: ایران.
- امیدی شاه‌آباد، امید، بدری، سید علی، زالی، نادر و رضوانی، محمدرضا (۱۳۹۸). تحلیل عوامل کلیدی مؤثر بر شکل‌دهی الگوی آمایش فضاهای روستایی با رویکرد آینده‌نگاری (مطالعه موردی: استان لرستان). پژوهش‌های روستایی، دوره دهم، شماره ۱: ۹۲-۱۱۳.
- بهزادنسب، جانعلی (۱۳۸۹). تحلیل و تعیین فرایند مطلوب انجام برنامه‌ریزی توسعه روستایی در کشور براساس رویکرد برنامه‌ریزی ارتباطی، روستا و توسعه، دوره سیزدهم، شماره ۴: ۵۱-۷۴.
- حنیفر، حسین و مسلمی، ناهید (۱۳۹۸). *اصول و مبانی روش‌های پژوهش کیفی: رویکردی نو و کاربردی (جلد دوم)*. تهران: نگاه دانش.
- رضایی، جعفر (۱۳۸۲). مقایسه درجه توسعه‌یافتگی مناطق روستایی شهرستان‌های استان ایلام، مرکز تحقیقات کشاورزی ایلام، دوره شانزدهم، شماره ۱: ۱-۱۷.
- رضوانی، محمدرضا (۱۳۹۰). *برنامه‌ریزی روستایی در ایران*. تهران: نشر قومس.
- رضوانی، محمدرضا (۱۳۹۰). برنامه‌ریزی در سطح محلی و جایگاه آن در برنامه‌های توسعه روستایی کشور، اولین کنفرانس بین‌المللی توسعه روستایی، تجارب و آینده‌نگری در توسعه محلی، زاهدان.
- رفیعیان، مجتبی و معروفی، سکینه (۱۳۹۰). نقش و کاربرد رویکرد برنامه‌ریزی ارتباطی در نظریه‌های نوین شهرسازی، آرمان‌شهر، دوره چهارم، شماره ۷: ۱۱۳-۱۲۰.
- رکن‌الدین افتخاری، عبدالرضا و بهزادنسب، جانعلی (۱۳۸۳). برنامه‌ریزی ارتباطی، رویکرد انتقادی به نظریه برنامه‌ریزی (با تأکید بر برنامه‌ریزی توسعه روستایی). *مدرس علوم انسانی*، دوره هشتم، شماره ۱: ۱-۲۲.

- رکن‌الدین افتخاری، عبدالرضا، محمودی، سمیرا، غفاری، غلامرضا و پورطاهری، مهدی (۱۳۹۴). تبیین الگوی فضایی سرمایه اجتماعی در توسعه پایدار روستایی (مورد مطالعه: روستاهای استان خراسان رضوی). *اقتصاد فضا و توسعه روستایی*، دوره چهارم، شماره ۱: ۸۷-۱۰۷.
- ریاحی، وحید، عزیزی، سمیه و نصیری زارع، سعید (۱۴۰۰). سنجش مفهوم توسعه روستایی با تأکید بر دیدگاه روستاییان (مورد مطالعه: شهرستان دماوند). *توسعه محلی (روستایی-شهری)*. دوره سیزدهم، شماره ۱: ۱۱۹-۱۴۵.
- سودی، علی‌اصغر، پورطاهری، مهدی و رکن‌الدین افتخاری، عبدالرضا (۱۳۹۶). تبیین نظری اصول محتوایی و مؤلفه‌های مبنایی تدوین الگوی بومی (اسلامی-ایرانی) مدیریت: با تأکید بر مدیریت روستایی، *برنامه‌ریزی و آمایش فضا*، دوره بیست‌ویکم، شماره ۴: ۸۶-۱۲۱.
- شریف‌زادگان، محمدحسین (۱۳۸۲). چالش‌های برنامه‌ریزی و علل کاهش اثربخشی طرح‌های توسعه در ایران، *اقتصاد کشاورزی و توسعه*، دوره یازدهم، شماره ۴۳ و ۴۴: ۱-۲۰.
- شفیعی ثابت، ناصر و میرواحدی، نگین‌سادات (۱۳۹۸). سیاست‌ها و رویکرد برنامه‌ریزی: چالش‌ها و فرصت‌های توانمندسازی ذی‌نفعان محلی و توسعه پایدار روستایی (مطالعه موردی: روستاهای جنوب و جنوب شرق تهران). *پژوهش و برنامه‌ریزی روستایی*، شماره ۴: ۱۲۷-۱۴۷.
- شفیعی ثابت، ناصر و میرواحدی، نگین‌سادات (۱۳۹۸). واکاوی تأثیرات رویکرد برنامه‌ریزی در توانمندسازی روستاییان در فراگرد توسعه پایدار روستایی (مورد مطالعه: شهرستان‌های ری و پاکدشت). *فصلنامه برنامه‌ریزی منطقه‌ای*، دوره نهم، شماره ۹: ۸۷-۱۰۴.
- صالحی نودز، اسما، یعقوبی، نورمحمد و کیخا، عالمه (۱۴۰۰). ظرفیت‌سازی جوامع محلی در مدیریت بحران اجتماع‌محور: بررسی نقش عوامل فرهنگی، مدیریت بحران، دوره دهم، شماره ۲: ۵۷-۶۹.
- علیایی، محمدصادق و کریمیان، حبیب‌الله (۱۳۹۰). بررسی رویکرد برنامه‌های توسعه روستایی در ایران با تأکید بر نقش و جایگاه دانش بومی، *مطالعات توسعه اجتماعی ایران*، دوره سوم، شماره ۳: ۸۵-۱۰۱.
- کریم‌زاده، حسین و سعدی، سیما (۱۳۹۹). واکاوی فرایند خزش شهری و تأثیر آن در پس‌کرانه‌های روستایی پیرامون شهر مریوان، *برنامه‌ریزی منطقه‌ای*، دوره دهم، شماره ۳۹: ۱۴۱-۱۵۶.
- متوسلی، محمود و حاجی علی‌اکبری، کاوه (۱۳۹۵). کنش جمعی؛ نقطه اتصال تفکر نهادگرا و نگرش برنامه‌ریزی ارتباطی، *برنامه‌ریزی و بودجه*، دوره بیست‌ویکم، شماره ۴: ۱۵-۴۵.
- مخبری، مریم و پرتوی، پروین (۱۳۹۶). تحلیل الزامات نهادی جهت تحقق برنامه‌ریزی ارتباطی در تهران، *مطالعات مدیریت شهری*، دوره نهم، شماره ۳۲: ۵۳-۶۷.

هاگت، پیتر (۱۳۸۶). *جغرافیا ترکیبی نو*. ترجمه: شاپور گودرزی‌نژاد. جلد دوم. تهران: انتشارات سمت.

- Apostolopoulos, N., Chalvatzis, K. J., Liargovas, P. G., Newbery, R., & Rokou, E. (2020). The role of the expert knowledge broker in rural development: Renewable energy funding decisions in Greece. *Journal of Rural Studies*, 78, 96-106.
- Botchway, K. (2001). Paradox of Empowerment: Reflections on a Case Study from Northern Ghana. *World Development*, 29(1): 135-153.
- Flyvbjerg, B. (2004). Phronetic planning research: theoretical and methodological reflections. *Planning Theory & Practice*, 5(3): 283-306.
- Healey, P. (1999). Institutional Analysis, Communicative Planning, and Shaping Places. *Journal of Planning Education and Research*, 19(2), 111-121.
- Huxley, M. (2013). Historicizing planning, problematizing participation. *International Journal of Urban and Regional Research*, 37(5): 1527-1541.
- Innes, J. E. (1998). Information in Communicative Planning. *Journal of the American Planning Association*, 64(1): 52-63.
- Innes, J. E., & Booher, D. E. (2014). A turning point for planning theory? Overcoming dividing discourses. *Planning Theory*, 14(2), 195-213.
- Long, N. (1977). *An Introduction to the Sociology of Rural Development*. London: Tavistock Publications.
- Mannberg, M., & Wihlborg, E. (2008). Communicative planning – friend or foe? Obstacles and opportunities for implementing sustainable development locally. *Sustainable Development*, 16(1), 35-43.
- Mattila, H. (2020). Habermas revisited: Resurrecting the contested roots of communicative planning theory. *Progress in Planning*, 141, 100431.
- McGuirk, P. M. (2001). Situating Communicative Planning Theory: Context, Power, and Knowledge. *Environment and Planning A*, 33(2): 195-217.
- Prager, K., Nienaber, B., Neumann, B., Phillips, A. (2015). How should rural policy be evaluated if it aims to foster community involvement in environmental management? *Journal of Rural Studies*, 37: 120-131.
- Purcell, M. (2009). Resisting Neoliberalization: Communicative Planning or Counter-Hegemonic Movements? *Planning Theory*, 8(2), 140-165.
- Sager, T. (2006). The Logic of Critical Communicative Planning: Transaction Cost Alteration. *Planning Theory*, 5(3): 223-254.
- Sager, T. (2017). *Communicative planning*. In M. Gunder, A. Madanipour, & V. Watson (Eds.), *The Routledge handbook of planning theory* (Vol. 2, pp. 93-108). Routledge.
- Wang, C., & Wang, Y. (2020). In search of open and inclusive arenas: Transnational practice of communicative planning in Yongtai, China. *Habitat International*, 106: 102288.
- Woltjer, J (2017). *Consensus Planning: The Relevance of Communicative Planning Theory in Duth Infrastructure Development*. Routledge. London.